

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۱، تابستان ۱۴۰۱
صفحات: ۱-۲۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰
نوع مقاله: پژوهشی

اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری بر جنایات زیست‌محیطی: جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی

پریرسا استکی* / محسن عبداللهی** / علیرضا آرش‌پور***

چکیده

جرائم زیست‌محیطی دارای آثار مخربی برای طبیعت و منابع طبیعی هستند که با توجه به شدت در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند. مهم‌ترین مسئله‌ای که وجود دارد ضرورت جرم‌انگاری این‌گونه جنایات علیه محیط‌زیست است که بر طبق آن هنجارهای مربوطه در این زمینه شناسایی و موردبررسی قرار گیرند. در اصل جنایات زیست‌محیطی رازمانی می‌توان به‌طور قطعی کاهش داد که آثار مهم بودن این‌گونه جرائم در انتظار بین‌المللی درک شده، در اسناد مهم بین‌المللی به مخرب بودن آن برای طبیعت و بشریت اشاره گشته و به‌وسیله‌ی مراجع کیفری بین‌المللی مورد تعقیب قرار گیرد که این مسئله نیز مستلزم جرم‌انگاری این جنایات در بخش جنایات مهم بین‌المللی در اساسنامه‌ی مرجع کیفری بین‌المللی دارای صلاحیت جهانی دیوان کیفری بین‌المللی است. در چنین شرایطی می‌بایست جرائم زیست‌محیطی را در لیست جرائم شناسایی‌شده همچون جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی قرارداد تا دیوان بتواند به پیگیری آن‌ها بپردازد. یافته‌های پژوهش با استناد به روش توصیفی تحلیلی، بیان می‌دارد دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند اکثر جنایات زیست‌محیطی را به شرطی که در زمان جنگ رخ داده باشند، در ردیف جنایات جنگی قرار داده و تحت پیگرد کیفری قرار دهد و به دنبال آن به این‌گونه جنایات در دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس اصل صلاحیت جهانی رسیدگی گردد.

کلید واژه‌ها

جنایات زیست‌محیطی، دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، صلاحیت

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

** دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Mo_abdollahi@sbu.ac.ir

*** استادیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

اعمال مخرب انسان علیه محیط‌زیست جرائمی هستند که دانسته یا نادانسته حیات طبیعت و همچنین حیات بشری را به مخاطره می‌اندازد. به همین منظور جنایات زیست‌محیطی در سال‌های اخیر تحت پیگرد قانونی در نظام بین‌المللی قرار می‌گیرند اما در همین ابتدای امر سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه مرجعی و با کدام اختیار می‌تواند من‌باب پیگیری و مجازات جنایت‌کاران زیست‌محیطی اعمال صلاحیت نماید؟ این جنایات به صور مختلف مانند جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت رخ می‌دهند و در حال حاضر نیز به همین‌گونه می‌توانند شناسایی گردند. به‌طور مثال اگر فرض بگیریم که جنایتی به‌قصد انتقال اجباری جمعیت از یک مکانیسم خانگی اتفاق بیفتد و این عمل با سوزاندن جنگل‌ها و انتقال اجباری جنگل‌نشینان باشد ممکن است به‌عنوان جنایت علیه بشریت تلقی گردد.

جنایات زیست‌محیطی می‌توانند جنایت خطرناک علیه زندگی بشریت باشند چراکه امکان دارد که آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای زیست‌بشریت و دیگر حیات موجود بر زمین داشته باشد. در سال‌های اخیر دفتر دیوان به‌منظور جلوگیری از جنایات زیست‌محیطی برنامه‌های مختلفی ارائه کرده است که می‌تواند برای پیشگیری از جرائم آتی بسیار امیدوارکننده باشد و همچنین باید گفت توسعه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در جرائم زیست‌محیطی بستگی به چگونگی تصمیم این مرجع برای آینده جرائم زیست‌محیطی در جهان دارد که البته از سوی اعضا نیست. این مسئله پذیرفتنی است پس می‌توان این گزینه را در دست داشت که اعضا با اصلاحات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی موافقت کرده و رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی را در آن قرار دهد.

مسئله‌ی اصلی ما چگونگی تحقق توسعه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایاتی است که علیه محیط‌زیست به وقوع می‌پیوندد و مهم‌ترین سؤالی که می‌توان در این رابطه مطرح کرد این است که دیوان کیفری بین‌المللی با چه رویکردی می‌تواند صلاحیت تعقیب و پیگیری جنایات زیست‌محیطی را به دست بیاورد؟ و یا اینکه جنایات زیست‌محیطی را تحت چه جنایاتی از جنایات تعریف‌شده در اساسنامه‌ی رم می‌توان مورد رسیدگی قرارداد؟ فرضیه این است که دیوان کیفری بین‌المللی تخریب وسیع و شدید محیط‌زیست را به‌نوعی می‌تواند هم به‌عنوان جنایات علیه بشریت هم ژنو ساید و هم جنایات جنگی، مورد تعقیب و رسیدگی قرار دهد. دیوان در سطح گسترده با جنایاتی روبه‌روست که علاوه بر مهم بودن، موجب آسیب به کلیت کره‌ی خاکی می‌شوند. مقالاتی که در بیست و

پنجمین نسخه از مجله بین‌المللی حقوق بشر سور^۱ وجود دارد، برخی موارد قابل توجه و مهم را گرد هم آورده است که نشان می‌دهد بهره‌برداری از منابع طبیعی یکی از دلایل عمده نقض حقوق بشر است. زمین‌خواری، بی‌ثباتی، تشدید فقر، تخریب و آلودگی زمین‌های ضروری برای جوامع بومی و سایر کشورها و در بدترین حالت، قتل و جنگ، اغلب نتایج مستقیم استخراج نفت و مواد معدنی، پروژه‌های انرژی‌های تجدید پذیر، قطع چوب است.^۲

سؤال اصلی تحقیق این است که چگونه تخلفات زیست‌محیطی می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی یا جنایات علیه بشریت جرم انگاری گردد؟ در واقع فرض اصلی ما این است که دیوان با رویکرد پیشگیری از تخریب وسیع محیط‌زیست که موجب نابودی بخشی از سیستم طبیعی کره‌ی زمین می‌گردد به تعقیب و مجازات مجرمان زیست‌محیطی می‌پردازد اما به دلیل اینکه جنایات زیست‌محیطی به‌عنوان جنایات مهم در اساسنامه‌ی رم قید نگشته است یا باید این جنایت در اصلاحیه‌ی اساسنامه‌ی رم تعریف و قید گردد و یا تحت جنایات تعریف‌شده‌ی مذکور در اساسنامه مورد تعقیب و پیگیری قرار گیرد که هر دو مسئله نیز امکان‌پذیر است به شرط اینکه اعضای جامعه‌ی بین‌الملل توجه بیشتری را روی این موضوع بگذارند. به همین دلیل در مقاله کنونی ما به دنبال تبیین این‌گونه مسائل برای توسعه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات زیست‌محیطی خواهیم بود.

۱- جرم انگاری جنایت زیست‌محیطی در اساسنامه رم

در اساسنامه رم به جنایات بین‌المللی مهم و قابل پیگیری از طریق دیوان اشاره و نه تنها از محیط‌زیست حمایت می‌نماید بلکه ایراد صدمه به محیط‌زیست را جرم کیفری تلقی می‌نماید. در واقع، تخریب محیط‌زیست می‌تواند در طبقات مختلف جرائم برشمرده شده و در اساسنامه رم، از جمله جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت و ژنوسید مورد پیگرد واقع شود (محمدی، حسینی آزاد، ۱۳۹۳: ۹۴). از جمله‌ی جنایات جنایات جنگی است: «جنایات جنگی، جنایاتی است که ارتکاب آن‌ها نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی ناظر بر درگیری‌های مسلحانه را در پی دارد». بهمن آقایی در فرهنگ حقوق بشر، جنایات جنگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «جنایات جنگی، جنایات ناشی از مقام اعمالی که عمداً قوانین و عرف‌های جنگ را نادیده می‌گیرد» (آقایی، ۱۳۷۶: ۱۸۶). جنایت جنگی زمانی وارد صلاحیت دیوان می‌شوند که بخشی از یک طرح یا سیاست باشند یا جزئی از یک زنجیره مشابه که در سطح وسیع

¹ <https://sur.conectas.org/en/>

² <https://www.conectas.org/en/news/crimes-ambientais-no-tpi>

ارتکاب یافته است. این جنایات اعمالی هستند که ناقض کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های اول و دوم ۱۹۷۷ و کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه یا سایر قوانین و عرف‌های جنگی لازم‌الاجرا بوده و حقوقی بین‌المللی را در پی‌دارند (رجبی، ۱۳۹۴: ۲۹۷). همچنین در تعریف جنایات علیه بشریت نیز می‌توان گفت: جنایات علیه بشریت، جنایات توده‌واری هستند که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابند و می‌توان جدی‌ترین شکل این جنایات را کشتار گروه‌های مردمی دانست (گرهاردوله، وکیل، ۱۳۸۹: ۵۹). نسل‌کشی نیز که یکی دیگر از این‌گونه جنایات است: نابودی یک ملت یا یک قوم و منظور از کشتار جمعی ضرورتاً نابودی فوری یک ملت نیست؛ بلکه مراد طرحی است مشتمل بر یک سلسله اعمال متفاوت که بنیادهای اساسی حیات گروه‌های ملی را به ویرانی می‌کشد تا در نهایت به انهدام این گروه‌ها بینجامد (عبدی، ۱۳۹۶: ۱۹۰). جنایت علیه بشریت لزوماً مربوط به مخاصمات مسلحانه نمی‌باشند. مثلاً یکی از جنایات مهم در این زمینه، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت است که می‌تواند منبث از تخریب شدید محیط‌زیست و نابودی منابع طبیعی ضروری برای بقا جمعیت باشد (محمدی، حسینی آزاد، ۱۳۹۳: ۹۸).

با توجه به این تعریف‌ها در کل می‌توان گفت در متن اساسنامه مزبور جنایت زیست‌محیطی به‌صورت بسیار کم‌رنگ آمده و برخی از نقاط آن امیدوارکننده است اما به‌طور کل همین‌که اسم این جنایت در بند مربوط به جنایات جنگی وجود دارد می‌تواند امیدبخش باشد که چشم‌اندازی در آینده برای وجود جنایت زیست‌محیطی به‌عنوان جنایت مهم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد شود برای تعریف جنایت زیست‌محیطی در قالب این اساسنامه بیشترین چیزی که مدنظر قرار دارد، برداشت‌های بین‌المللی و حائز اهمیت از جنایاتی است که ضد محیط‌زیست انجام می‌گیرد. دیدگاه‌هایی می‌تواند جنایت زیست‌محیطی را در قالب جرائم مهم بین‌المللی قرار دهد که به مخرب بودن این‌گونه جنایات در سطح بین‌المللی و ضد بشری بودن آن باور داشته باشند. در این باره می‌توان به الگوهای دیوان نیز اشاره داشت. به این طریق که الگوی دیوان برای بررسی جنایات بیشتر مربوط می‌گردد به فضای اولین محاکماتی که در آن قرار بود مجرمان بین‌المللی برای جرائم ارتكابی خود مجازات گردند. البته در برخی دادگاه‌ها و منشورهای بین‌المللی برخی جرائم و جنایات تعریف شده بودند که اساسنامه دیوان می‌توانست آن‌ها را الگوی خود بداند و جنایات را بر اساس آن‌ها تعریف نماید. در منشور دادگاه بین‌المللی نظامی نورنبرگ، جنایات علیه بشریت این‌گونه تعریف می‌شدند: قتل عمد، نابودسازی، به بردگی گرفتن، اخراج و دیگر اقدامات غیرانسانی ارتكابی علیه جمعیت غیرنظامی، قبل از جنگ یا در خلال آن؛ با آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در اجرای یا در رابطه با هر یک از جنایات تحت صلاحیت این دادگاه.

اعم از این که نقض حقوق داخلی کشور محل ارتکاب باشند یا نه (Art.6 (c) IMT Charter). پیوند نزدیک بین این نوع جنایت و دیگر جنایات تحت صلاحیت دادگاه، به‌طور مؤثر به این معنا بود که جنایات علیه بشریت تنها در صورتی مجازات می‌شوند که در خلال جنگ یا شروع آن ارتکاب یافته و در صورتی که مستقیماً به منافع دیگر کشورها لطمه زده باشد (Kaleck, Ratner, 2007: 137). الگوی بررسی جنایات زیست‌محیطی تحت لقای مسئولیت کیفری: سیتو و امونزا در کتاب جرائم زیست‌محیطی نقش عدالت کیفری در حمایت از محیط‌زیست، بر این باورند که جرم زیست‌محیطی فعل یا ترک فعل غیرمجاز است که تخلف از آن، نقض قانون به شمار می‌رود و فرد را تحت تعقیب کیفری قرار می‌دهد (3: situ, L. D, Emmons, 2010). به‌طور کلی در رویکرد حقوقی، ملاک شناسایی جرائم زیست‌محیطی، توجه به قوانین کیفری است؛ زیرا متخصصان این حوزه معتقدند که مرز میان رفتارهای مجاز و غیرمجاز توسط قانون جنایی مشخص می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت که ملاک توجه پژوهش‌گران این عرصه، تکیه بر اصل قانونمندی جرم و مجازات است. در واقع سیاست اعضای دیوان برای شناسایی جرائم مهم بین‌المللی، پیشگیری از افزایش جنایاتی است که می‌تواند به زندگی بشریت آسیب جدی وارد کند و جنایات زیست‌محیطی نیز اگر افزایش یافته و به‌صورت گسترده انجام گیرد می‌تواند به شکلی جبران‌ناپذیر، زیست بشری را به مخاطره اندازد. دیوان به‌عنوان حلقه مفقوده نظام حقوقی بین‌المللی با نحوه عملکرد خودش می‌تواند سهم زیادی در جلب اعتماد دولت‌ها داشته باشد. با اجرای عدالت هنگام رسیدگی به پرونده‌های مطروحه تعداد دولت‌های عضو اساسنامه افزایش خواهد یافت البته شایان‌ذکر است که هنوز کشورهایی وجود دارند که هنوز اساسنامه‌ی رم را امضا ننموده‌اند اما خود از بزرگ‌ترین آلاینده‌های جهان هستند و این موضوع جرم انگاری جرائم زیست‌محیطی در اساسنامه‌ی مذکور را دشوار می‌نماید.¹

۲- ضرورت اجرای احکام اصداری دیوان کیفری بین‌المللی در جنایات زیست‌محیطی

پذیرش صلاحیت تکمیلی دیوان در ورود به قضیه داخلی کشورها و همچنین دخالت در جرائم وسیع بین‌المللی نشانگر ضرورت لازم اجرا بودن احکام صادره از سوی دیوان است. دیوان، برخلاف دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا، صلاحیت تکمیلی خود را نسبت به محاکم ملی پذیرفته

¹ Who are the world's biggest polluters? REUTERS (June 2, 2017), <https://www.reuters.com/news/picture/who-are-the-worlds-biggest-pollutersidUSRTXRKSI>
<https://perma.cc/DV69-8Q5C>

است. بند ۱۰ مقدمه اساسنامه دیوان مکمل بودن صلاحیت دیوان نسبت به محاکم ملی را مورد تأکید قرار داده است. ماده ۱ اساسنامه نیز مقرر داشته؛ اعمال صلاحیت دیوان محدود به شدیدترین جنایات مورد دغدغه جامعه جهانی و مکمل صلاحیت کیفری ملی است. مهم‌ترین نتیجه و اثر حقوقی صلاحیت تکمیلی دیوان، عبارت است از اینکه: در صورتی دولت صلاحیت‌دار در حال رسیدگی به موضوع باشد. یا؛ دولت صلاحیت‌دار قرار منع تعقیب در خصوص موضوع صادر کرده باشد یا موضوع مشمول قاعده منع محاکمه مجدد باشد، دیوان از اعمال صلاحیت خودداری می‌کند (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۸۰). همچنین دادستان دیوان مکلف است قبل از شروع به تحقیق (بر اساس بند ج ماده ۱۲ و ماده ۱۵) کلیه دولت‌های عضو و دولت‌هایی که معمولاً بر جنایات‌های مورد نظر اعلام صلاحیت می‌کنند را از تصمیم خودآگاه سازد. مبنای منطقی این تکلیف، همان تکمیلی بودن صلاحیت دیوان است. با توجه به اینکه اکثر جنایات زیست‌محیطی به دلیل جنگ‌های داخلی کشورها و همچنین در داخل مرزهای یک کشور رخ می‌دهد باید اذعان داشت که دیوان برای رسیدگی به جنایات زیست‌محیطی که در داخل کشورهای عضو اتفاق می‌افتد نیازی به اذن ندارد و صلاحیت دیوان بر این امر ثابت شده است. چنانچه دولت ملی نتواند از عهده ایجاد و اعاده نظم عمومی و تضمین و اجرای عدالت در خصوص جنایات ذاتی بین‌المللی برآید، مرجع کیفری بین‌المللی اعمال صلاحیت می‌کند (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۸۰).

در ماده ۱ اساسنامه‌ی دیوان، به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان تصریح شده است. این دیوان، نهادی دائمی خواهد بود و دارای قدرت اعمال صلاحیت بر اشخاص برای ارتکاب خطیرترین جرائم مورد اهتمام بین‌المللی، به شرح مذکور در این اساسنامه، است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها مسئله حاکمیت دولت بوده و نگرانی از نادیده انگاشته شدن حاکمیت ملی از اصلی‌ترین دلایل ناکام ماندن تلاش‌هایی بوده است که در راستای تشکیل دیوان صورت گرفته است. تدوین‌کنندگان اساسنامه چاره کار را در گنجاندن اصل صلاحیت تکمیلی در اساسنامه دیوان دانستند (مظاهری، ۱۳۹۱: ۱۰۷). به‌طور مثال در این مورد می‌توان گفت جمهوری لیبریا با تصویب قانون حمایت از جنگلداری و محیط‌زیست و با اعلام همکاری با سازمان‌های محیط زیستی اتحادیه اروپا برای سپردن جرائم زیست‌محیطی مخرب که به یک جرم بین‌المللی بیانجامد، به دیوان کیفری بین‌المللی اعلام آمادگی نموده است (Siakor, 2017: 6).

۳- جنایات زیست‌محیطی در قالب جنایت جنگی

کسی نمی‌تواند انکار کند که محیط‌زیست بزرگ‌ترین دلیل زنده ماندن این جهان است اما متأسفانه در جهان امروزی این مسئله آن‌چنان جدی هم در نظر گرفته نمی‌شود. جنایات جنگی انسان‌ها علیه

یکدیگر به‌نوعی علیه محیط‌زیست است. تمام سلاح‌ها و جنگ‌افروزی‌ها با سلاح‌های مرگ‌بار ضد محیط‌زیستی خطری است جدی برای حیات ما و محیط‌زیست. جنگ‌های ادامه‌دار فعلی جهان که در عراق، سوریه، یمن و حتی جنایاتی که در غزه این‌همه سال با سلاح‌های مختلف صورت گرفته است محیط‌زیست را به نابودی می‌کشاند. با ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸، گام مؤثری در خصوص حفظ محیط‌زیست برداشته شد. بند (۲) (ب) (۴) ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، خسارات زیست‌محیطی را به‌عنوان جنایات جنگی توصیف می‌کند. در جنایات جنگی اساساً گستردگی و سامانمند بودن همانند ژنو سید و جنایات علیه بشریت شرط نیست؛ یعنی اینکه یک جنایت جنگی، با قتل یک اسیر جنگی یا یک غیرنظامی قابل تحقق است ولی لحن ماده ۸ اساسنامه که به جنایت جنگی می‌پردازد با به کار بردن این عبارت «دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به‌ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد» به نظر می‌رسد جنایت جنگی قدری به معیارهای تعیین‌شده از سمت دیوان کیفری بین‌المللی نزدیک شده است و در واقع از این طریق اجلاس رم راه‌حل میانه‌ای بین موافقین و مخالفین تعیین حد و آستانه‌ای برای جرائم جنگی ایجاد کرد. ماده ۸ اساسنامه در توصیف جرائم زیست‌محیطی مقرر می‌دارد که: انجام عمدی حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش‌ازاندازه است (محمد نسل، ۱۳۹۳: ۱۸).

جرائم علیه محیط‌زیست در ماده ۸ به‌واقع همان مؤلفه‌های مندرج در کنوانسیون انمود^۱ و مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل الحاقی هستند با این تفاوت که شرط فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار را بدان افزوده‌اند که این خود، بازگشت به مقررات کد جنایات علیه صلح و امنیت بشری^۲ است و قابل انتقاد است در ثانی به عنصر علم موجود، صراحت و شفافیت بیشتری داده است (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۱۰). تدوین‌کنندگان اساسنامه رم ۱۹۹۸ با اقتباس از این اسناد، مؤلفه‌های مزبور را در مورد جنایات جنگی صورت‌بندی کردند و اقدامات علیه محیط‌زیست را به‌عنوان جنایات جنگی تلقی نمودند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۵).

تخریب عمدانه‌ی محیط‌زیست ممکن است آثار فاجعه‌باری را نه‌تنها بر جمعیت انسانی بلکه در ابعاد زیست‌بومی (اکولوژیک-م) نیز داشته باشد. برای مثال، سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی همان

^۱ ENMOD

^۲ <http://www.qombar.ir/article/> Draft Code of Crimes against Peace and Security of Mankind

اندازه که قدرت بالقوه برای کشتن هزاران نفر در یک حمله را دارند؛ آثار و عوارضی دارند که در برخی موارد تا همیشه در محیط‌زیست باقی می‌مانند. آثار ویرانگر جنگ‌افروزی به خاطر محیط‌زیست ممکن است تا مدت‌ها پس از آن که مخاصمه پایان یافت ادامه داشته باشد؛ از جمله به خطر انداختن و نابود کردن زندگی و شیوه‌ی زیست آنانی که به این محیط‌زیست طبیعی متکی بودند (White, 2016: 173).

بخش عمده‌ی فناوری مرتبط با چنین تاکتیک‌هایی محصول پژوهش‌های شرکت‌های خصوصی هستند که در اغلب اوقات توسط ارتش‌ها تأسیس می‌شوند تا سلاح‌های هرچه ویرانگرتری را تولید کنند؛ سلاح‌هایی که کاربرد آن‌ها توانایی بالقوه ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی گسترده و ویرانگر را دارد. علاوه بر آن، دسترسی یا عدم دسترسی به منابع طبیعی به خودی خود می‌تواند آغازگر یک درگیری باشد. تقریباً ۵ میلیون نفر در سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی در درگیری‌های مسلحانه مرتبط با بهره‌برداری از منابع طبیعی مانند چوب، الماس، طلا و نفت کشته شده‌اند. برنامه‌ی محیط‌زیست ملل متحد^۱ در بررسی‌های خود دریافته است که در بیش از شصت سال اخیر، دست کم ۴۰٪ از درگیری‌های مسلحانه مرتبط با بهره‌برداری از منابع طبیعی بوده‌اند؛^۲ برای مثال، درگیری‌های اخیر در سیرالئون، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبیا و آنگولا. این درگیری‌ها اغلب همراه با دخالت شرکت‌های خصوصی بوده است. این پدیده را می‌توان با عنوان «نبرد بر سر منابع» توضیح داد؛ جایی که منابع طبیعی با همدستی و شرکت فعالانه‌ی کسب‌وکارها (تجارت‌خانه‌ها) باعث تجاری شدن (مطرح‌شدن سود و زیان) و به درازا کشیدن مخاصمات می‌شوند. این وضعیت به یک چرخه‌ی ناپسند خود تداوم‌بخش تبدیل می‌گردد.

از آنجاکه در زمان جنگ بیشترین آسیب به محیط‌زیست وارد می‌گردد به همین دلیل اندیشمندان دیوان آسیب وارد کردن به محیط‌زیست را نیز در زمره جنایات بین‌المللی قرار داده‌اند. در واقع می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که خسارت به محیط‌زیست به اندازه‌ی خسارت‌های جنگی وحشتناک و جبران‌ناپذیر است مگر غیر از این است که بشر خساراتی بیشتر از جنگ در مسائل زیست‌محیطی متحمل شده است؟ در یک بحث حرفه‌ای می‌بایست گفت اتفاقاً به کار بردن کلمه محیط‌زیست در بند ۲ ماده هشت تنها کلمه‌ای است که عیناً در جاهای دیگر اساسنامه تکرار نشده است و به‌نوعی ابتکارانه آورده شده است. البته باید گفت بر سر آوردن دیگر جرائم و تعریف آن‌ها به‌طور کلی توافق شده است و اعضا بر سر آن‌ها توافق

³UNEP

²<https://www.unenvironment.org/news-and-stories/press-release/unep-marks-international-day-preventing-exploitation-environment-war>

کامل داشته‌اند اما ظاهراً جرائم ضد محیط‌زیست را کمتر ارج نهاده‌اند (واحدی، ۱۳۹۶: ۱۱۷) اما به‌هرحال به آن توجه شده و در میان مباحث جنایات جنگی جاباز کرده است.

جرائم زیست‌محیطی چیزی از جنایات جنگی کم ندارند بدین نحو که جرم علیه محیط‌زیست نوعی جنگ علیه تمام بشریت است و به همین دلیل نیز می‌توان آن را به‌عنوان جنایت جنگی به حساب آورد. البته این امر نه‌تنها در سطح بین‌الملل می‌تواند مدنظر باشد بلکه در جنگ‌های داخلی که محیط‌زیست نابود می‌شود نیز می‌بایست اهمیت یابد و با توجه به اینکه در جنگ‌ها به اهداف غیرنظامی زیست‌محیطی آسیب قابل توجهی وارد می‌گردد می‌بایست صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در این موضوع مسلط باشد (Struett, 2008: 29). جنایات جنگی اغلب به‌منظور نابودی صورت می‌گیرد اگر نابودی معطوف به انسان‌ها باشد نامش را جنایات جنگی می‌گذارند اما اگر نابودی علیه محیط‌زیست باشد جنایات جنگی نام نمی‌گیرد. دلیل این مسئله عدم درک بشریت از محیط‌زیست است و هنوز به درکی نرسیده که بدانند استفاده‌ی سلاح‌های کشتار جمعی نه‌تنها جنگ علیه بشریت است بلکه جنگ علیه محیط‌زیست نیز هست. مسئولیت کیفری جنگ‌طلب‌ها و کسانی در جنگ اعمال غیرانسانی انجام می‌دهند در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تعیین شده است اما در مورد محیط‌زیست آمده است: «خسارت گسترده درازمدت و شدید به محیط‌زیست»^۱ که این یعنی تا حد نابودی پیش رفته باشد که در این صورت با نابودی چنان فرقی ندارد (White, 2008: 253).

با تمرکز بر روی موضوع جنگ علیه محیط‌زیست می‌توان به نابودی پی‌درپی محیط‌زیست طی جنگ‌های اخیر در خاورمیانه و حتی جنگ‌های داخلی در کشورهای آفریقایی اشاره نمود. بدیهی است که این جنگ‌های ادامه‌دار ضربه‌ی سختی را بر پیکره‌ی محیط‌زیست وارد می‌کند اما دیوان کیفری بین‌المللی دخالتی قاطعانه برای پیشگیری از نابودی محیط‌زیست انجام نمی‌دهد چراکه جمله‌ی «خسارت گسترده درازمدت و شدید به محیط‌زیست» اجازه‌ی دخالت سریع و پیشگیرانه به دیوان نمی‌دهد و این امر نه‌تنها موجبات تخریب محیط‌زیست را فراهم می‌سازد بلکه در سایه‌ی جنایات جنگی مورد توجه هم قرار نمی‌گیرد. این مسئله می‌تواند نقد ما را نسبت به متن ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نشان دهد.

به‌طور کلی مهم‌ترین دلیل قرارگیری جنایات زیست‌محیطی در ردیف جنایات جنگی، قید کلمه‌ی محیط‌زیست در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است که البته به‌طور دقیق تبیین نگشته است

^۱ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بند ب (۴)

اما می‌توان این استنباط را برای ما به وجود آورد که دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند اکثر جنایات زیست‌محیطی را به شرطی که در زمان جنگ رخ داده باشند، در ردیف جنایات جنگی قرار داده و تحت پیگرد کیفری قرار دهد و به دنبال آن به این‌گونه جنایات در دیوان کیفری بین‌المللی رسیدگی گردد یا حتی دادگاه کیفری مستقلی فقط به منظور رسیدگی به جنایات زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی تشکیل گردد یا حتی به استنباط اینکه جنایت زیست‌محیطی در ردیف جنایات جنگی است به جرائمی که در داخل مرزهای یک کشور علیه محیط‌زیست ارتکاب می‌یابد، صلاحیت خود را اثبات نموده و به آن‌ها رسیدگی نماید. در چارچوب درگیری مسلحانه بین‌المللی، مواد ۸ (۲) (v) (b)، ۴۵ (xvii) (b) و ۴۶ (۲) (xviii) (b) اساسنامه رم نیز به نظر می‌رسد در شرایط مناسب قابل اجرا باشد. متأسفانه، به نظر نمی‌رسد در مفاد مربوط به ماده ۸ اساسنامه رم، به‌استثنای بند دوم ماده ۸، امکان مشابهی برای پیگرد قانونی جرائم زیست‌محیطی در چارچوب درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی وجود داشته باشد. همان‌طور که در فاجعه دارفور شاهد بودیم، تخریب عمدی محیط‌زیست ممکن است در چارچوب یک درگیری داخلی، به‌ویژه در مناطقی که گروه‌های خاصی زندگی می‌کنند، انجام شود. هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که چرا مقررات مندرج در اساسنامه رم که به این نوع درگیری مربوط می‌شود نیز تنظیم‌نشده باشد تا امکان پوشش جرائم زیست‌محیطی را با سهولت بیشتری در برگیرد.^۱ (Freeland, 2004:4)

با در نظر گرفتن قواعد عام‌الشمول زیست‌محیطی و قواعد بین‌المللی حقوق مسئولیت دولت‌ها با دو استدلال می‌توان پاسخ داد که با ناتوانی در شناسایی مسئولیت کیفری دولت در حقوق بین‌الملل از پذیرش مفهوم جنایت زیست‌محیطی دولت‌ها طفره رفته و به جای آن به قواعد سنتی مسئولیت (مدنی) بین‌المللی متوسل شده است و از سویی دیگر در زمینه مسئولیت کیفری فردی نیز به شناسایی مسئولیت کیفری فردی برای ارتکاب جنایات زیست‌محیطی دوران مخاصمات مسلحانه محدود شده است. گویی که حملات و تعرضات شدید به محیط‌زیست و به سکنه غیرنظامی، به این نکته منجر شده است که حقوق بشردوستانه، حملات دارای آثار گسترده، شدید و دیرپا بر محیط‌زیست را به‌عنوان یکی از جنایات جنگی، قابل تعقیب و کیفر تلقی کند (عبداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷).

¹ Freeland, Steven, HUMAN RIGHTS, THE ENVIRONMENT AND CONFLICT, International Journal on Human Rights, sur 2, 2004, p 4 at: <https://sur.conectas.org/en/human-rights-environment-conflict/>

۴- جنایات زیست‌محیطی در قالب جنایت علیه بشریت

یکی از شنیع‌ترین جرائم بین‌المللی جنایات علیه بشریت است که با به وجود آمدن مباحث جدیدی چون حقوق کیفری، تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، الحاق تعداد زیادی از کشورها به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مطرح شده است. جنایات علیه بشریت می‌تواند تنها شامل مواردی گردد که صریحاً در اساسنامه رم به آن‌ها اشاره شده است.^۱

طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی منظور از جنایات بر ضد بشریت اعمال مشروحه زیر است که در یک حمله «گسترده» یا «سازمان‌یافته» بر ضد یک «جمعیت غیرنظامی» و با «علم به آن حمله» ارتکاب یابند: ۱. قتل؛ ۲. قلع و قمع کردن؛ ۳. به بردگی گرفتن؛ ۴. کوچ یا جابجایی اجباری، جمعیت؛ ۵. حبس کردن با ایجاد هر شکل دیگر محرومیت شدید از آزادی جسمی که برخلاف قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل باشد؛ ۶. تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری و هر نوع خشونت جنسی مشابه با آن‌ها؛ ۷. آزار هر گروه یا هر تجمع مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی یا جنسی (مذکور در بند ۳) و یا هر عمل مندرج در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان بر اساس معیارهایی که در سطح جهانی به موجب حقوق بین‌الملل غیرقابل قبول شناخته شده‌اند؛ ۸. ناپدید کردن اجباری (اشخاص)؛ ۹. آپارتاید؛ ۱۰. سایر اعمال ضد انسانی مشابه که عمداً به قصد ایجاد رنج زیاد یا صدمه شدید به جسم یا سلامت جسمی یا روحی صورت پذیرد (ساک کیتی شیایزی، ۱۳۹۶: ۲۳۴). در این رابطه، تخریب عمدی زیستگاه طبیعی و انحلال آن پس از دسترسی به آب پاک یا غذا می‌تواند «محرومیت شدید از حقوق اساسی» به منظور جرم آزار و اذیت باشد (Rights Watch, 2006:195). سلامت بشر در سراسر جهان به سلامت محیط‌زیست اطراف آن بستگی دارد چراکه اگر محیط‌زیست با مخاطرات عدیده‌ای از جمله جرائم زیست‌محیطی روبه‌رو باشد، جان و سلامت عده‌ای که کاملاً به وجود آن وابسته هستند به خطر خواهد افتاد؛ اما این مسئله حتی می‌تواند از راه‌های قانونی و حتی قراردادهای مشترک نیز اتفاق بیفتند، به این نحو که شرکت‌های بزرگ نئوپان در جهان و یا شرکت‌های چوب‌بری با انعقاد قراردادهای بزرگ دست به قطع درختان زده و گاهی در این مورد به قطع بی‌رویه درختان جنگل‌ها ادامه می‌دهند که این عمل می‌تواند زندگی جانوران علف خوار جنگلی را به خطر انداخته و در پی این موضوع جان افرادی که در مناطق دورافتاده‌ی جنگلی به وجود این حیوانات وابسته است به خطر افتاده و منجر به انتقال اجباری

¹<https://www.icc-cpi.int/resource-library/Documents/RS-Eng.pdf>

آنان از زادگاهشان شود و همین مسئله می‌تواند یک جنایت علیه بشریت و به خطر انداختن سلامتی زیست بشر باشد (Spapens; White, Kluin, 2014). آبراه‌های آلوده، انقراض گسترده‌ی گونه‌ها، مصرف بی‌اندازه سوخت‌های فسیلی و انتشار گازهای گلخانه‌ای و میزان غیرقابل ادامه‌ی جنگل‌زدایی نمونه‌های اندکی از این بی‌عدالتی‌ها هستند. این روند حوادث آب و هوایی شدیدتر و بیشتری را در پی خواهد داشت و به گسترش بیابان‌ها، از بین رفتن تنوع زیستی، فروپاشی زیست‌بوم‌ها، کاهش و آلودگی منابع آبی و بالا آمدن سطح آب دریاها منجر خواهد شد (محمد علیخانی، ۱۳۹۶: ۲۰۳).

البته در این بین گفتنی است اگر این جنایت به‌طور خالص ضد بشری تلقی گردد می‌توان تنها اشخاص حقیقی را برای این مسئله در دیوان محاکمه کرد اما اگر کشورها در این موضوع نقش داشته باشند باید عامل اصلی آن در سر هرم شناسایی شده و تحت پیگرد قرار گیرند مانند سران کشورها که در دوران تصدی خویش دست به اعمالی مخرب بر ضد محیط‌زیست انجام داده باشند.^۱ ضمن اینکه گفتن این سخن در میانه خالی از لطف نیست که در حال حاضر دیوان تنها از طریق دادستانی می‌تواند به جنایات زیست‌محیطی رسیدگی کند و این رسیدگی هم از طریق قوانین حقوق بشری و به‌منظور تأثیر این جنایات بر روی زندگی انسان‌ها می‌تواند انجام گیرد (Durney, 2018: 413).

رینولد گالمتزر، عضو کارگروه دیوان بین‌المللی کیفری که تهیه‌کننده سند سیاست است، گفت: ما با نگاه به زمینه وسیع‌تری که می‌شود، صلاحیت خود را اعمال می‌کنیم. مادر حال گسترش تمرکز هستیم تا جنایات اساسنامه رم را که از قبل در صلاحیت ما قرار دارد، بگنجانیم. انتقال اجباری (مردم) در جریان تخریب وسیع محیط‌زیست، در حال حاضر می‌تواند جنایتی علیه بشریت باشد، بنابراین اگر با تصرف زمین چه در نتیجه یا پیشرو انجام شود، می‌توان آن را در بحث جنایات اساسنامه رم گنجانید.^۲ جنایت علیه بشریت عملی است که موجب رنجش غیرضروری و شدید انسان‌ها می‌شود؛ تخریب محیط‌زیست بدون شک کیفیت زندگی انسان را پایین می‌آورد. دیوان در یک تغییر در کانون فعالیت‌هایش در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ (۲۵/۶/۱۳۹۵) اعلام داشت که «جرائمی را که منجر به تخریب محیط‌زیست، استثمار منابع طبیعی و تصرف غیرقانونی (زمین‌خواری) زمین گردند در اولویت قرار می‌دهد».^۳ باآنکه دیوان

¹ For example, the ICC tried former Ivory Coast President Laurent Gbagbo, with “Crimes against Humanity” related to post-election violence. He is the first former head of state to stand trial at the ICC, and was acquitted on January 15, 2019. Laurent Gbagbo, former Ivory coast leader, Acquitted of Crimes against Humanity, N.Y. TIMES: <https://www.nytimes.com/2019/01/15/world/africa/laurent-gbagbo-ivory-coast-icc.html> [https://perma.cc/9W3B-4G5H].

² <https://www.theguardian.com/global/2016/sep/15/hague-court-widens-remit-to-include-environmental-destruction-cases>

³ WWW.businessinsider.com

به‌طور رسمی صلاحیت خود را گسترش نداده است، اما بیان داشت که جرائم موجود مانند جرائم علیه بشریت را در بستر و زمینه گسترده‌تری ارزیابی خواهد کرد. فعالان ضد فساد در سازمان جهانی می‌گویند زمین‌خواری و تخریب محیط‌زیست منجر به راندن‌های اجباری گسترده، نابودسازی فرهنگی مردم بومی، سوء‌تغذیه و تخریب زیست‌محیطی شده است. ایس هریسان مشاور در گروه بین‌المللی شاهد جهانی^۱ بیان کرد: «اعلان امروز باید هشدار می‌دهد که مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بفرستند که محیط‌زیست بیش از این عرصه بازی آن‌ها نیست.» اثرات مخوف زمین‌خواری و تخریب محیط‌زیست در بالاترین سطح عدالت کیفری به رسمیت شناخته شده است و اکنون عواملان بخش خصوصی برای نقششان در تصرف غیرقانونی زمین، نابودی جنگل‌های انبوه و مسموم سازی منابع آبی می‌توانند محاکمه شوند (پورهاشمی، ارغند، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

ریچارد راجرز، شریک شرکت گروه بین‌المللی تلاش^۲ در پرونده‌های که به نمایندگی از ۱۰ کامبوجی شکایتی به دیوان بین‌المللی کیفری تسلیم کرده است که در آن حاکمان کشور، از جمله دولت و ارتش آن، مورد این اتهام واقع شده‌اند از سال ۲۰۰۲ در راستای کسب ثروت و قدرت از طریق زمین‌خواری و اخراج اجباری بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر مرتکب نقض‌های شدید حقوق بشر شده‌اند. او گفت: کامبوج نمونه کاملی برای سیاست جدید دیوان است که در چارچوب معیارهای جدید قرار می‌گیرد. با توجه به اقداماتی که در پی گنجاندن جنایت زیست‌محیطی تحت مفهوم جنایت علیه بشریت قابل‌روایت است، بیانگر آن است که وجود مکانیسمی هرچند ناقص، بسی بهتر از انتظار کشیدن برای ایده آلی محتمل است. فضای بین‌المللی موجود مانع از آن شده است که جرم انگاری تخریب محیط‌زیست در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی وضوح بیشتر و گستره‌ای وسیع‌تر بیابد. قطعاً رویه دیوان در آینده به‌وضوح بیشتر به ابهامات موجود منتهی خواهد شد و چه‌بسا به‌واسطه تلاش‌های بین‌المللی انجمن‌های زیست‌محیطی دولت‌های عضو اساسنامه مجاب شوند به هنگام تجدیدنظر در اساسنامه دیوان، حمایت کیفری گسترده‌تری را از محیط‌زیست در چارچوب جنایت علیه بشریت به عمل آورند.

لازم به ذکر است با توجه به پرداخت محدود به محیط‌زیست در سیاست‌های ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، دشوار خواهد بود که دیوان ادعا نماید صلاحیت تعقیب و رسیدگی «جرائم زیست‌محیطی» را دارا باشد، مگر آنکه نشان داده شود که چنین صلاحیتی یا ممکن است به‌طور ضمنی از توضیحات فعلی تحت اساسنامه رم استخراج شود که همان جنایات نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت

¹World Witness: See <https://worldwitness.org/>

²Team Effort International : See <https://www.linkedin.com/company/team-effort-international>

هستند یا اینکه به واسطه ایجاد یک قانون جدید از قوانین بین‌المللی، اعم از عرفی یا مبتنی بر پیمان، صلاحیت دیوان در جرائم زیست‌محیطی گسترش یابد؛ اما یکی از دلایلی که جرائم زیست‌محیطی را می‌بایست تحت صلاحیت دیوان و به‌عنوان جرم علیه بشریت دانست این است که عموماً نظام‌های سیاسی در قوانین داخلی، رفتارهای مخرب فرامرزی را جرم انگاری نمی‌کنند؛ زیرا تمایلی به درگیر شدن در فرایندهای حقوق کیفری بین‌المللی ندارند. مشکلات مربوط به تعقیب کیفری، استرداد و... آن چنان است که حتی در صورت علم کشورها به برخی رفتارهای مخرب و دغدغه مند بودن در آن حوزه، باز آن رفتارها را جرم انگاری نمی‌کنند و صرفاً برخی چالش‌های درون کشور را با پاسخ کیفری مواجه می‌سازند. از این‌رو، اختیار مطلق نظام‌های سیاسی در فرایند جرم انگاری موجب شده است تا نظرات فعالان جرائم فرامرزی مبنی بر جرم انگاری رفتارهای مخرب بین‌المللی، نادیده گرفته شود (زارع مهدوی، دانش ناری، ۱۳۹۵: ۹۹). بدون شک، یکی از رفتارهای مخرب فرامرزی، جرائم زیست‌محیطی است که به اقتضای خود، وصف بین‌المللی پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال، آلودگی‌های رودخانه‌های مرزی هم چون رود رن در فرانسه و سوئیس، آلودگی دریای خزر در هر یک از کشورهای ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان و تخریب محیط‌زیست خلیج‌فارس در کشورهایی چون ایران، عربستان، عراق، کویت، بحرین و ... به کشور دیگر سرایت می‌کند. در این حالت، بنا به دلایل پیش‌گفته، کشورها تمایل چندانی به جرم انگاری رفتارهای مخرب محیط‌زیست ندارند. به‌عنوان مثال، کشور عراق، تنها در قبال جرائم زیست‌محیطی خلیج‌فارس در قلمروی سرزمینی خود حساس است و به سرایت آلودگی به کشورهای دیگر، اهمیتی نمی‌دهد (نژندی منش، ۱۳۹۴: ۲۷۷).

این امر علاوه بر آن که مسئولیت‌پذیری بین‌المللی کشورها را زیر سؤال می‌برد، در بلندمدت منجر به تخریب محیط‌زیست طبیعی نیز می‌شود. قرار دادن جرائم زیست‌محیطی تحت لقای جرائم علیه بشریت باعث می‌گردد تا تخریب محیط‌زیست یک عمل بسیار سخت برای جنایت‌کاران زیست‌محیطی باشد چراکه دیگر به راحتی نمی‌توانند فراتر از مرزهای یک کشور جرائمی از قبیل تخریب وسیع محیط‌زیست، قاچاق و قطع درختان به صورت غیرقانونی را مرتکب شده و از چنگال قوانین داخلی که تنها در داخل مرزها کارکرد دارند، بگریزند.

به‌منظور بررسی جنایات زیست‌محیطی در قالب جنایات علیه بشریت شاید کافی نباشد که ما تنها به اساسنامه دیوان بسنده کنیم چراکه در حال حاضر یک قاعده‌ی مسلم حقوق بین‌الملل عرفی وجود دارد که جنایات علیه بشریت نیازمند ارتباط با مخاصمه‌ی مسلحانه نیستند. در حقیقت، همان‌گونه که دادستان خاطر نشان می‌سازد، حقوق بین‌الملل عرفی رابطه‌ای را بین جنایات علیه بشریت و هرگونه

مخاصمه‌ای لازم نمی‌داند؛ بنابراین، دیوان با ضرورت این‌که جنایات علیه بشریت در یک مخاصمه‌ی مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی ارتکاب یابند، این جنایت را در ماده ۵ مضیق‌تر از آنچه که در حقوق بین‌الملل عرفی لازم است، تعریف کرده است (نژندی منش، ۱۳۹۴: ۲۷۷).

۵- ظرفیت دیوان در رسیدگی به جنایات زیست‌محیطی در قالب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی

دیوان در پذیرش پرونده‌های ارجاعی ابتدا به مبانی و قاعده‌های کلی احراز صلاحیت خود توجه می‌کند و در مراحل بعدی معیارهای اولیه و ثانویه مندرج در اسناد و رویه خود در جهت گزینش و انتخاب یک پرونده را مورد مذاقه قرار می‌دهد (کوشا و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۵۳). در اساسنامه دیوان تخریب محیط‌زیست یا جنایت بر ضد محیط‌زیست مستقلاً جرم انگاری نشده است و تنها رکن مادی ارتکاب جنایات بین‌المللی است. دیوان به‌عنوان عنصر قانونی بین‌المللی برای تعقیب و مجازات مجرمان بین‌المللی تصمیماتی را که اتخاذ می‌کند برای حفظ حیات بشری است. از این‌رو در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۱۶ دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی، فاتو بنسودا^۱ یادداشتی را دال بر این مسئله منتشر کرد که باید به ارزیابی جرائمی پرداخت که منجر به «نابودی محیط یا موارد محافظت‌شده» می‌شوند. ارزیابی تأثیر جرم اعلام‌شده به ملاحظه‌ی این مطلب می‌پردازد که آسیب محیطی موجب تخریب وسیع مجموعه‌های آسیب‌پذیر از محیط‌زیست می‌گردد و تأثیر جبران‌ناپذیری بر محیط‌زیست می‌گذارد.^۲ در چارچوب این مسئله، دادستان اشاره‌هایی به تعقیب قانونی جرائم اساسنامه‌ی رم نمود که به‌واسطه‌ی نابودی محیط‌زیست یا انفجار غیرقانونی منابع طبیعی یا تخلیه‌ی غیرقانونی زمین انجام‌شده و از طریق دیوان مورد رسیدگی قرار گرفته است. این یادداشت به‌عنوان ابزار راهنمای کلیدی دفتر دادستان در انتخاب و اولویت‌بندی پرونده‌ها مورد بررسی در نظر گرفته می‌شود و همچنین، تغییر شگرفی را در دیدگاه دیوان بین‌المللی کیفری و جامعه‌ی جهانی نسبت به محیط‌زیست ایجاد کرده است.

جای دادن تخریب محیط‌زیست در ارزیابی نقض‌های حقوق بشری تیر هشدار به مجریان شرکت و سرمایه‌گذارانی بود که قبل‌تر محیط‌زیست زمین‌بازی‌شان است. درحالی‌که آن فرصتی را برای مسئول بودن و پاسخگو بودن افراد ایجاد می‌کند که قبلاً بدون اینکه پیگیری قانونی‌ای وجود داشته باشد آزاد

13 Fatou Bensouda

²Office of the prosecutor, policy paper on case selection and prioritisation, para 40, (here in after 2016 Policy Paper) https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/20160915_OTP-Policy_Case-Selection_Eng.pdf [<https://perma.cc/UY3NC62R>].

بودند که اعمال مخرب محیط زیستی انجام دهند، ابهام یادداشت مربوط و تازگی این نظریه به معنای این است که جامعه بین‌المللی حدس می‌زند که دقیقاً چطور آسیب محیطی در کنار چارچوب پیگرد قانونی دیوان تحت اساسنامه‌ی رم در نظر گرفته شده است. دادگاه همچنین به‌عنوان یک اصل اساسی صلاحیت دارد، افرادی را که مرتکب جدی‌ترین جرائم در ارتباط با جامعه بین‌المللی شده‌اند مورد تعقیب قرارداد دهد. این صلاحیت، نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی را دربرمی‌گیرد. این صلاحیت نمونه‌ای از قوانین مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی است و از طریق آن می‌توان افرادی را که موجب تخریب محیط‌زیست شده‌اند را جریمه و مجازات کرد (Vidal, Bowcott, 2016).^{۱۷}

در چارچوب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی انجام این امر با دادستانی است تا با همکاری دولت و سایر نهادها موجبات مقدماتی انجام تحقیقات را فراهم ساخته و با همکاری کشور ذی‌ربط موجبات امر بازداشت متهم را فراهم نماید (Moreno, 2009:8). در پرونده مطروحه نزد دیوان علیه رئیس‌جمهور سودان، عمرالبشیر بیانگر ارتباط دادستانی و دیوان است، در این پرونده دادستان دیوان از میان سایر جرائم، رئیس‌جمهور سودان را مطابق ماده ۶ اساسنامه در خصوص ژنوسید، به ایجاد عمدی شرایطی در جهت محروم‌سازی جمعیت از دسترسی به لوازم حیات را برای گروه‌های نژادی متهم نمود.

قابل‌ذکر است برای اینکه اداره دادستانی بتواند از عهده چنین امر بسیار مهمی برآید، به‌موجب آئین‌نامه داخلی دادسرا، مصوب سوم ژوئن ۲۰۰۳، سه‌شاخه در صحن این اداره ایجاد شده است؛ شاخه تعیین صلاحیت دیوان، شاخه تحقیق و تفحص و شاخه احراز اتهام و صدور کیفرخواست تا از طریق همکاری‌های صمیمانه بین این شاخه‌ها امر مهم انجام تحقیقات مقدماتی و احراز اتهام و صدور کیفرخواست راجع به موضوعات در حوزه صلاحیت دیوان به نحو مطلوب و مؤثری صورت پذیرد (372: Kaul, 2000). البته در این مورد باید به وظایف دادستانی نیز اشاره داشت که آیا می‌تواند به‌صورت مستقل در مورد صلاحیت دیوان نسبت به جنایاتی همچون جنایات زیست‌محیطی تصمیم بگیرد یا خیر؟ به‌طور کلی وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بر دو نوع است: وظایف قضایی، وظایف اداری. وظایف قضایی عمده دادستان به‌قرار زیر است: الف) انجام تحقیقات بر اساس اطلاعاتی که در مورد یک جرم مشمول صلاحیت دادگاه که به دادستان رسیده است.

ب) بررسی وضعیت‌هایی که ارتکاب یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دادگاه در آن‌ها توسط دولت عضو یا شورای امنیت به دادستان ارجاع شده است.

¹⁷ see: <https://www.theguardian.com/global>

ج) انجام تحقیقات به‌وسیله‌ی بازجویی از اشخاص مظنون و قربانیان، شهود، جمع‌آوری و بررسی مدارک، انجام تحقیقات در قلمرو یک دولت. (با رضایت یا بدون رضایت آن)

د) تجدیدنظرخواهی در مورد رأی برائت یا میزان مجازات تعیین‌شده از سوی شعبه بدوی و پاسخگویی به تجدیدنظرخواهی شخص محکوم‌علیه.

ه) دفاع از دعوی در دادگاه و انجام سایر اقدامات لازم که انجام اقدامات لازم برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات و حمایت از شهود (میر عباسی، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

البته در ورای همه‌ی این بحث‌ها باید گفت دیوان ممکن است دانش ویژه لازم برای پیگرد قانونی جرائم زیست‌محیطی را نداشته باشد. نه دادستان‌ها و نه قضات در قانون محیط‌زیست متخصص نیستند. دادگاه متشکل از ۱۸ قاضی است که هر یک فقط یک دوره نه‌ساله را سپری می‌کنند.^۱ این نکته نیز از جمله ابهاماتی است که البته قابل پاسخ‌گویی است چراکه دیوان با رویکرد اخیر خود توسط دادستانی نشان داده است که به دنبال ایجاد تخصص در زمینه‌ی پیگیری جنایات زیست‌محیطی است.

در زمان کنونی در قوانین بین‌المللی، با توجه به فقدان رفتار یا برخورد قاطع علیه جرائم زیست‌محیطی و مجازات مکفی روبه‌رو هستیم و همچنین در این باره متن‌هایی در قوانین وجود دارند که مجوز رفتارهای متفاوتی از مبارزه با جرائم زیست‌محیطی مطابق با نوع جرم و با توجه به نظر دولت‌ها را می‌دهد. (بابا خانی، ۱۳۹۸: ۴۰). همچنین بر اساس مدعای پیشین تمرکز جدید دیوان می‌تواند درهای مختلفی را برای پیگرد قانونی درباره تغییرات آب و هوایی باز کند، زیرا درصد زیادی از انتشار CO₂ ناشی از جنگل‌زدایی در اثر تصرف غیرقانونی زمین بوده است.^۲

با توجه به توضیحات پیش‌گفته رسالت دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان منجی عدالت کیفری خود دلیلی بر چرایی گرایش‌های اخیر وی در مورد پیگیری و تعقیب جنایات زیست‌محیطی است که البته بنا بر اختیاراتی که از طرف اساسنامه به دادستانی داده شده است، این مسئله قابل توجیه است (محمد نسل، ۱۳۹۳: ۲۴). به نظر می‌رسد با توجه به نظریه‌های اخیر دادستانی در مورد رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی، دیوان صلاحیت این را خواهد داشت که حداقل در کشورهای عضو به جنایات وسیع زیست‌محیطی که موجب نقض حقوق بشر می‌گردند، رسیدگی نماید. باین‌حال، طرفداران قرار دادن اکو ساید در محکمه دیوان پیشنهاد کرده‌اند که یک هیئت جداگانه از قضات دادگاه کیفری

¹ *The Court Today*, ICC, March 18, 2019, <https://www.icccpi.int/iccdocs/PIDS/publications/TheCourtTodayEng.pdf>.

² *Ibid*

بین‌المللی می‌تواند به جرائم زیست‌محیطی رسیدگی کند.^۱ اگرچه به نظر می‌رسد که یادداشت اخیر دادستانی رسیدگی دیوان در مورد آسیب‌های زیست‌محیطی را گسترش داده است، اما هنوز هم این مسائل را فقط در رابطه با تأثیرات آن بر انسان بررسی می‌کند (Greene, 2019: 48).

نتیجه‌گیری

این مسئله به‌خوبی گواه است که توسعه‌ی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای پیگیری جرائم زیست‌محیطی نه‌تنها نیاز کنونی جامعه‌ی بین‌الملل است بلکه این موضوع می‌تواند به بقای محیط‌زیست و همچنین کاهش جنایات علیه محیط‌زیست کمک شایانی نماید اما بزرگ‌ترین کشورهای جهان از جمله چین و روسیه هنوز اساسنامه را امضا نکرده‌اند که آن‌ها بزرگ‌ترین آلوده‌کننده‌های جهان به شمار می‌روند و این مسئله دیوان کیفری بین‌المللی را در رسیدگی با مشکل مواجه می‌کند. برای اعمال صلاحیت در رابطه با جنایات زیست‌محیطی در مرحله‌ی اول احتیاج به حمایت اعضا در جرم‌انگاری این‌گونه جنایات دارد که در حال حاضر با توجه به محدودیت دیوان در مورد جنایات تعریف‌شده‌ی بین‌المللی چنین امکانی مگر در صورت قرارگیری جنایات زیست‌محیطی تحت یکی از جنایات مهم بین‌المللی ممکن نیست، جرم‌انگاری جنایت زیست‌محیطی در اساسنامه دیوان در قالب جنایت جنگی مقرر در ماده ۸ اساسنامه مطرح گردیده است. شایان‌ذکر است ماده ۸ در مورد جنایت علیه محیط‌زیست، به لحاظ عنصر مادی قدری مبهم است لذا در صلاحیت دیوان در این خصوص باید تجدیدنظر گردد. در اصل عملکرد دیوان برای جرم‌انگاری جرائم زیست‌محیطی در قلمرو جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت مستلزم ایجاد تخصص در هیئت‌های رسیدگی است که بتوانند از طریق بررسی جنایات زیست‌محیطی میزان خسارات آن بر زندگی بشری را تشخیص داده و در زمره‌ی جنایات جنگی و یا جنایات علیه بشریت دسته‌بندی نمایند. با توجه به خلأهای موجود در بستر جرم‌انگاری و نظام ضمانت اجرای جنایی جرائم زیست‌محیطی، شناسایی جرائم این عرصه و شناساندن پدیده‌های بزهکارانه در این زمینه را نیاز می‌دانیم همچنین به نظر می‌رسد که تشکیل دادگاه مستقلی که بتواند با استقلال رأی، سرعت عمل کافی و کارآمدی تخصصی در ارتباط با جرائم و نقض حقوق بشر و محیط‌زیست قابلیت اجرایی داشته، ضروری است.

¹ Gar Smith, Ecocide, the Fifth War Crime? EARTH ISLAND JOURNAL (2010), http://www.earthisland.org/journal/index.php/magazine/entry/ecocide_the_fifth_war_crime/ <https://perma.cc/5ENM-QJPH>.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آقایی، بهمن (۱۳۷۶). **فرهنگ حقوق بشر**، تهران: گنج دانش.
- پور هاشمی، عباس، ارغند، بهاره (۱۳۹۶). **حقوق بین‌الملل محیط‌زیست**، تهران: انتشارات دادگستر.
- رجبی، اسماعیل (۱۳۹۴). «نقش دیوان بین‌المللی در رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی علیه غزه»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۹۵-۳۱۲
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). «از ممنوعیت تا جرم انگاری خسارات وارده به محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۶، صص ۵۳۳-۵۶۰
- زارع مهدوی، قادر، دانش ناری، حمیدرضا (۱۳۹۵). **امنیت بین‌المللی و جرائم زیست‌محیطی**، تهران: نشر میزان.
- زمانی، قاسم (۱۳۸۸). «جرم انگاری تخریب محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، در: احمدعلی محسن زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، **مجموعه حقوق محیط‌زیست نظریه‌ها و رویه‌ها**، تهران: خرسندی، صص ۱۳۸-۱۵۶
- ساک کیتی شیایزی، کریانگ (۱۳۹۶). **حقوق بین‌المللی کیفری**، بهنام یوسفیان، تهران: انتشارات سمت.
- عبداللهی، محسن (۱۳۸۲). «جنایت بر ضد محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، **مجله علوم محیطی**، شماره ۱، چاپ اول.
- عبداللهی، محسن (۱۳۸۶). «حمایت کیفری از محیط‌زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست محیطی»، **مجله علوم محیطی**، شماره ۱، صص ۹۷-۱۱۷
- عبدی، فاطمه (۱۳۹۶). «بررسی نسل‌کشی در عرصه بین‌الملل»، **فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار**، شماره ۱، صص ۱۸۹-۲۰۴
- عزیزی، ستار، حاجی، محمد (۱۳۹۰). «تعامل بین ممنوعیت قراردادی نسل‌کشی و قاعده آمره ممنوعیت نسل‌کشی»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵، صص ۱۳-۵۲
- کوشا، سهیلا؛ طهمورثی، اسماعیل، سوهانیان، فاطمه (۱۳۹۸). «رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در گزینش پرونده‌های ارجاعی»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۵۱-۳۶۷
- کیس، الکساندر (۱۳۷۹). **حقوق محیط‌زیست**، محمدحسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول.
- گروه صلح کرسی حقوق سبز، صلح و دموکراسی یونسکو (۱۳۸۹). **حقوق زیست‌محیطی بشر**، تهران: نشر دادگستر.
- گرهارد ورله؛ مترجم: وکیل، امیر ساعد (۱۳۸۹). «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۳۹، صص ۵۹-۱۰۰

محسنی، سید متین (۱۳۹۱). «جنایت جنگی در پرتو اسناد بین الملل، به ویژه اساسنامه دیوان بین المللی کیفری»، *مجله سفیر نور*، شماره ۲۳، صص ۸۵-۱۱۴

محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۳). *مجموعه مقررات دیوان کیفری بین المللی*، تهران: نشر دادگستر.

محمدعلی خانی، ندا، محمدعلی خانی، مرتضی (۱۳۹۶). «تبیین مفاهیم جنایت علیه محیط زیست»، *مجله مطالعات بین المللی پلیس*، سال هفتم، شماره ۳۰، صص ۱۹۳-۲۱۹

محمدی، مهرداد، حسینی آزاد، سید علی (۱۳۹۳). *حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین الملل*، تهران: انتشارات شهر دانش.

مظاهری، مسعود (۱۳۹۱). *اصل صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

مؤمنی، مهدی (۱۳۹۶). *حقوق بین المللی کیفری*، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ سوم.

میر عباسی، سید مرتضی، میر عباسی، سید باقر (۱۳۹۵). *بایسته های دیوان کیفری بین المللی در تئوری و عمل*، تهران: انتشارات خرسندی.

نژندی منش، هیبت الله (۱۳۹۴). *حقوق بین الملل کیفری در رویه قضایی*، تهران: انتشارات خرسندی.

واحدی، قدرت الله (۱۳۹۶). *حقوق بین الملل کیفری*، تهران: نشر میزان.

Bricknell, Samantha (2010). *Environmental Crime in Australia*, Australian Institute of Criminology, Published by the Australian Institute of Criminology.

Durney, Jessica, *Crafting a Standard: Environmental Crimes as Crimes against Humanity under the International Criminal Court*, 24, *Hastings Env'tl L.J.* 413 (2018)

Freeland, Steven, (2004), "crimes against the Environment: a role for the international criminal court", *journal of Environmental law in the pacific*, Vol 4, pp. 201-237.

Freeland, Steven, (2004), "Human rights, the environment and conflict", *International Journal on Human Rights*, sur 2, p 4 at: <https://sur.conectas.org/en/human-rights-environment-conflict/>

Freeland, Steven, professor of international law at Western Sydney University, (2016), "Crimes against the environment and warfare", *International Humanitarian law magazine*, issue 1, PP. 8-9.

Gar, Smith, (2010), "Ecocide, the fifth war crime?" *Earth island journal* at: http://www.earthisland.org/journal/index.php/magazine/entry/ecocide_the_fifth_war_crime/ <https://perma.cc/5enm-qjph>.

Greene, Anastacia, (2019), "The Campaign to Make Ecocide an International Crime: Quixotic Quest or Moral Imperative?" *Fordham Environmental Law Review*, Volume 30, Number 3, pp. 1-47.

<http://www.qombar.ir/article/1991>

<https://www.bbc.com> << Persian world-48692083, 2019, 7, 12>>

<https://www.icc-cpi.int/resource-library/Documents/RS-Eng.pdf>

<https://www.linkedin.com/company/team-effort-international>

- <https://www.theguardian.com/environment/2014/nov/06/whats-the-environmental-impact-of-modern-war>
- <https://www.theguardian.com/environment/2014/nov/06/whats-the-environmental-impact-of-modern-war>: Visit the site in 2020
- <https://www.theguardian.com/global/2016/sep/15/hague-court-widens-remit-to-include-environmental-destruction-cases>
- <https://www.unenvironment.org/news-and-stories/press-release/unep-marks-international-day-preventing-exploitation-environment-war>.
- Kaleck, Wolfgang, Ratner, Michael, Singelstein, Peter Weiss, Tobias (2007). International Prosecution of Human Rights Crimes, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- Kaul H.P (2005), "Construction site for more Justice: The International criminal court after two years" In; A.J. I.L, Vol, 99, No 2, Pp.370-384/ P.372-373; ice: Understanding the ICC- Sudan, Without date/P.14.
- Lindgren, Tim (2018). "Ecocide, Genocide and the Disregard of Alternative Life-System", the International Journal of Human Rights, Vol. 22, No. 4, pp. 525–549.
- Michael J. Struett (2008). The Politics of Constructing the International Criminal Court, published by Palgrave Macmillan, New York.
- Moreno, Lois, ocampo (2009), in: Encyclopedia of human Rights, (Edited by) David P. Forsythe OUP, Vol. 4, pp.8-11.
- Nicholson, Meghan (2012). Evaluating Ecocide: Invaluable or Invalid, university of otago.
- Office of the prosecutor, Policy paper on case selection and prioritisation, para40, (see here in https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/2016_0915_OTP-Policy_Case-Selection_Eng.pdf [<https://perma.cc/UY3NC62R>].)
- Rights Watch (2006). Human, Genocide, War Crimes and Crimes Against Humanity, (A Topical Digest of the Case Law of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia), Printed in the United States of America.
- Sands, philippe (2003). Principles of international environmental law, Cambridge University press, second edition.
- Siakor, Silas Kpanan Ayoung (2017), " Reforming liberias forestry sector ", International Journal on Human Rights, Letter of the readers, Sur 25, p6:at:<https://sur.conectas.org/en/civil-societys-role-reforming-liberias-forestry-sector/Situ,LD,Micheal> Emmons (2010). Environmental crime: The Criminal Justice System's role in protecting the Environment, Australia, Sage Publication, Published by the Australian Institute of Criminology.
- Situ, Yingyi, L. D, Micheal Emmons (1999). Environmental crime: The Criminal Justice System's role in protecting the Environment, Sage Publication. See at: Bricknell, Samantha.

Spapens, Toine, White, Rob, Kluin, Marieke (2014). Environmental crime and its Victims Perspectives within Green Criminology, Published by Ashgate Publishing Limited, United Kingdom.

The Court Today, ICC, PIDS/publications/TheCourtTodayEng.pdf. <https://www.icc.cpi.int/iccdocs/2019>

Vidal, John, Bowcott, Owen (2016)." ICC widens remit to include environmental destruction cases" the Guardian, see: <https://www.theguardian.com/global/2016/sep/15/hague-court-widens-remit-to-include-environmental-destruction-cases> [<https://perma.cc/WH9U-7YA4>].

White, Rob (2008). Crimes against Nature Environmental criminology and ecological justice, Willan Publishing, kings college, London.

White, Rob (2016). Farami Environmental Crimes (Towards the Criminology of the Ecological World), Translator: Hamid Reza Danesh Nari, Mizan Publishing.

World Witness -<https://worldwitness.org/>

WWW.busi nessinsider.com